امارات، مقصد دومین سفر خارجی نخست‌وزیر پاکستان

«شهباز شریف» که پس از انتخاب به عنوان نخست‌وزیر پاکستان سفر به عربستان را به عنوان نخستین بازدید رسمی خود اعلام کرده بود، دیروز در دومین مرحله از سفرهای خارجی، جده را به مقصد ابوظبی ترک کرد؛ جایی که وی قرار است با مقام‌های اماراتی دیدار کند. دفتر نخست‌وزیری پاکستان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: شهباز شریف قرار است با محمد بن‌زاید آل‌نهیان، ولیعهد ابوظبی دیدار و درباره تقویت همکاری‌های دوجانبه گفت‌وگو کند.

«انقلاب تبیین» مهم‌ترین رسالتی است که ایرانی‌ها بر دوش دارند

آیا برای پیروزی در قدس آماده هستیم؟

علا القبیسی
فعال رسانه‌ای لبنانی

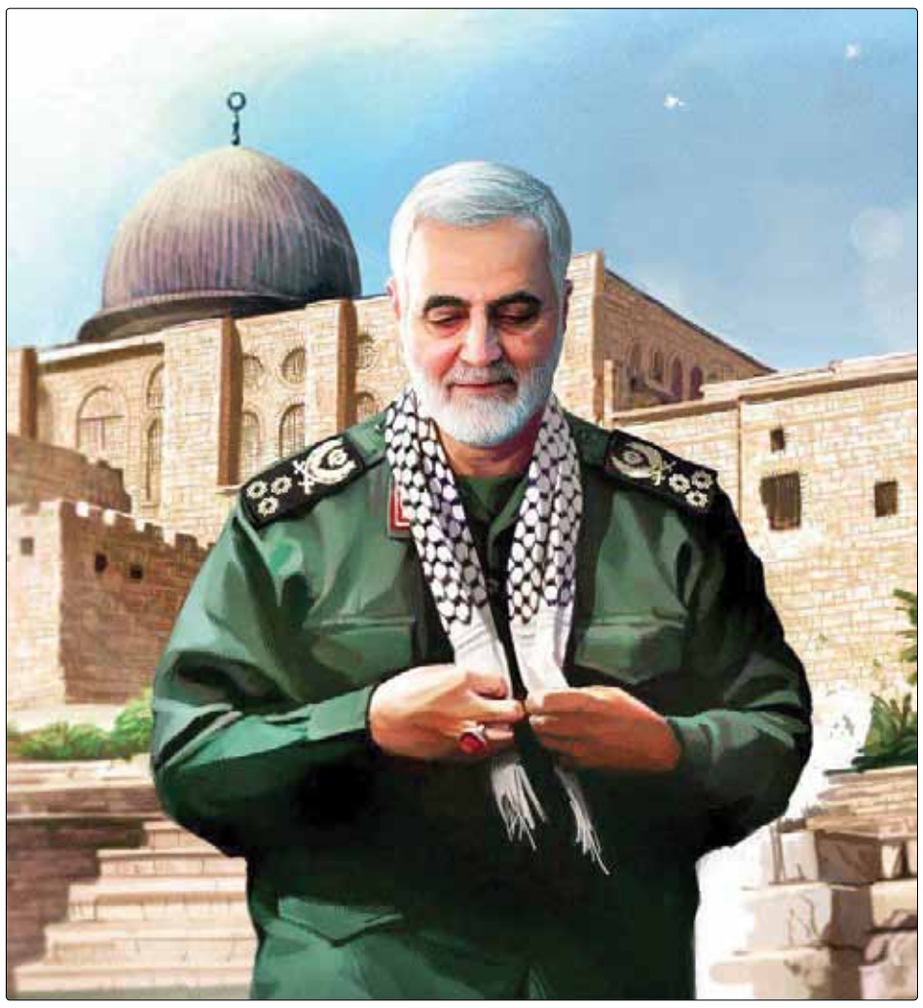

بیش از ۱۰۰ سال است دست‌اندازی به فلسطین عزیز توسط استعمار انگلیس و بعد اشغال آن توسط صهیونیست‌های غاصب، مساله جهان اسلام است. از سال ۱۹۱۷ میلادی که اعلامیه بالفور برای تشکیل دولت یهود در اراضی فلسطینی توسط دولت بریتانیا صادر شد، بغض فلسطین در گلوی ما شکل گرفت اما تا ۳۰ سال بعد از آن‌که متاسفانه با سلطه دولت‌های فاتح جنگ دوم جهانی، سازمان ملل رای به رسمیت شناختن رژیم جعلی اسرائیل می‌دهد و غده سرطانی به وجود می‌آید، همچنان بی‌عملی اعراب ادامه پیدا می‌کند.

در کشورهای عربی اطراف فلسطین، یک نگرش متفاوت نسبت به مساله فلسطین وجود دارد که فراتر از صرفا جنگ و مبارزه با اشغال است. مثلا در سوریه - جایی که من در حال حاضر زندگی می‌کنم - آنچه را به عنوان تمدن اسرائیلی در فلسطین تبلیغ می‌شود، جعلی می‌دانند.

یعنی مردم متمدن سوریه با گوشت و پوست‌شان به این نکته واقفند که اسرائیل بذر یک گیاه هرزه است که توسط استعمار در خاک عرب کاشته شده با هدف حذف تمدن‌های منطقه. یعنی بر خلاف تصور غالب مردم ایران و دیگر کشورهای دورتر، ما همسایگان فلسطین، رژیم صهیونیستی را صرفا با جنگ و حمله نظامی نمی‌شناسیم، بلکه آن را اول از همه موجودیتی برای نزاع تمدنی می‌دانیم. قطعا این رژیم از نگاه ما هم غاصب است اما فراتر از مسائل امنیتی و اشغال نظامی، ما آن را خطری خیلی ریشه‌دارتر می‌دانیم و به چشم سفیر تمدن متخاصم غرب می‌بینیم، چون اسرائیل به خودی خود فاقد تمدن و تاریخ است. در حالی که به عنوان مثال سوریه تمدنی به قدمت ۱۰ هزار سال دارد؛ حلب ۸ هزار سال، دمشق ۵ هزار سال و حمص ۶ تا ۸ هزار سال. طبیعی است سوری‌ها، مصری‌ها و خود فلسطینی‌ها نمی‌پذیرند یک تمدن جعلی وسط منطقه‌ای با این قدمت تاریخی ریشه بدواند که هدف غایی‌اش نابودی تمدن‌های پیرامونی است.

ما این را به عینه در جنگ هویتی بین اعراب و اسرائیلی‌ها می‌بینیم. صهیونیست‌ها به دنبال این هستند که لباس و سبک زندگی، اماکن و محلات و نمادهای تاریخی را برای شکل دادن هویت تمدنی خودشان سرقت کنند. این سرقت دقیقا دزدیدن تاریخ و تمدن ما است که از هر تجاوز نظامی و هر خطر امنیتی بدتر است. مثلا در سوریه، در سرودهای حماسی‌شان عبارت‌هایی مثل آزادی جنوب را زیاد می‌شنویم اما منظورشان فقط جولان نیست، بلکه فلسطین است. این بدان معناست که مردم شام بعد از این همه سال با مرزبندی‌های انگلیسی - فرانسوی «سایکس- پیکو» مشکل داشته و هنوز تفکر منطقه‌ای دارند؛ زمانی که با لبنان و جبال و فلسطین یک سرزمین واحد را تشکیل می‌دادند.

فراموش نکنیم به رسمیت شناخته شدن توافق سایکس-پیکو جزو مقدمات به وجود آمدن رژیم غاصب صهیونیستی در فلسطین بود؛ جایی که مردم عرب منطقه آن را بخش جنوبی شامات برمی‌شمرند. اگر بلندی‌های جولان اشغالی را که در جنوب سوریه است به عنوان یک واسطه در نظر بگیریم، فلسطین درست پیوست جنوبی شامات بزرگ‌تر است.

این فقط یکی از عقبه‌های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدنی و طبعا فکری مشترک میان سوری‌ها و فلسطینیان است. حالا تصور کنید تمام ملت‌های عربی و اسلامی منطقه نیز پیوندهایی مشابه با سرزمین قدس دارند. طبیعتا بار تجاوز نظامی و امنیتی صهیونیست‌ها به کشورهای همسایه هم به اینها اضافه می‌شود.

کشورهای عربی اطراف فلسطین، با گوشت و پوست‌شان به این نکته واقفند که اسرائیل بذر یک گیاه هرزه است که توسط استعمار در خاک اسلام کاشته شده با هدف حذف تمدن‌های منطقه. یعنی بر خلاف تصور غالب، رژیم صهیونیستی را صرفا با جنگ نمی‌شناسیم، بلکه آن را اول از همه موجودیتی برای نزاع تمدنی می‌دانیم

مجموعه اینها یعنی اشغال فلسطین و استحاله آن به یک اسرائیل جعلی، مدل کامل خوابی است که غرب برای کل منطقه دیده است. این در حالی است که در چند قرن سلطه عثمانی به هیچ‌وجه شاهد چنین استحاله‌ای در منطقه نبودیم و مردم هر شهر و روستا فرهنگ و سنت‌های مستقل خود نسبت به ترکان عثمانی را حفظ کرده بودند. این را مقایسه کنید با اسرائیلی که نه تنها اسامی عربی اماکن تحت اشغالش را عوض می‌کند، بلکه در صورت لزوم اماکن تاریخی را در جهت اهدافش خراب هم می‌کند.

بدیهی است تفاوت نگاه جامعه ایران و جوامع عربی به مساله فلسطین از تفاوت فرهنگ، زبان و تمدن شروع می‌شود. با این همه تفاوت‌های ما و شما در طول تاریخ اینقدر که تبلیغ می‌شود هم نبوده است. در قرن اخیر به دنبال روند دولت- ملت‌سازی استعماری، یک کشور به اسم ایران به وجود آمد که همه میراث ایرانی در مرزهایش محدود می‌شد. به همین شکل یک کشور به اسم سوریه، یک کشور به اسم عراق، عربستان و... اما قبل از آن مردم ایرانی و شامی و فلسطینی و عربی و ترک از خلال مرزهای تمدنی با هم تعامل فرهنگی داشتند و همه چیز در ملیت خلاصه نمی‌شد. حالا ما به جای فرهنگ و تمدن مشترک از کشورهای جدا از هم صحبت می‌کنیم. خب! طبعا کشورهای عربی هم از هم جدا افتاده‌اند و نگاه آنها به مساله فلسطین ممکن است یکسان نباشد اما هنوز مشترکاتی وجود دارد.

در مورد جامعه ایران که می‌توانم بگویم به خاطر چندین سال زندگی در آن و یاد گرفتن زبان فارسی، شناخت نسبتا خوبی از آن دارم، یک نکته مهم وجود دارد. متاسفانه جامعه ایران دچار فرهنگ و شناخت وارداتی شده و در همان حال با فقر صادرات شناختی مواجه است. شما ایرانی‌ها چند برابر آنکه نگرش خود و فرهنگ و تمدن و داشته‌های‌تان را به دیگر کشورها صادر کنید، از خارج داده‌های دیگران را وارد می‌کنید.

لذا مشکلی که از همین جا شروع می‌شود، کلیشه‌ای بودن تولیدات رسانه‌ای رسمی ایران درباره مسائل خارجی از جمله مساله فلسطین است. چون جامعه در معرفی نگرش خود به خارج ضعیف است، پس آنچه رسانه‌های ایران درباره فلسطین می‌گویند و می‌نویسند، عمق اجتماعی کمی دارد. به همین خاطر ما که از سمت عربی و فلسطینی نگاه می‌کنیم، رابطه‌ای کلیشه‌ای بین ایران و فلسطین در رسانه‌ها می‌بینیم. کلیشه‌ای‌ترین بخش این رابطه آنجاست که رسانه‌های انقلابی ایران- که البته مدیون‌شان هم هستیم -انگار فقط مسجدالاقصی که آن را قدس می‌نامند برای‌شان اهمیت دارد و حتی خود شهر بیت‌المقدس و بقیه فلسطین مسائل حاشیه‌ای هستند که هیچ معنای خاصی برای مخاطب ایرانی ندارند. یک فلسطینی یا حتی یک لبنانی و سوری بلافاصله متوجه این نگاه کلیشه‌ای در رسانه‌های ایرانی می‌شود. قاعدتا نگاه عمومی ایرانی‌ها به مساله فلسطین نیز متاثر از همین نگاه کلیشه‌ای رسانه‌های‌شان است. این باعث می‌شود جامعه ایرانی مساله فلسطین را صرفا از زاویه تهدیدی بنگرد که از جانب توسعه‌طلبی صهیونیستی در منطقه تا نزدیک مرزهای ایران متوجهش می‌شود. قدس هم اسم رمز این تهدید اسرائیلی است که حالا چون قبله اول مسلمانان بوده، یک حساسیت اعتقادی در میان ایرانیان مسلمان نسبت به آن شکل می‌گیرد اما موضوع به همین جا ختم می‌شود و نگاه عمیقی در جامعه ایران به واقعیات فلسطین، از جمله تهدید تمدنی اسرائیل و بحث استحاله تمدن منطقه‌نمی‌بینیم.

این مشکل را درباره معرفی واقعی بحران سوریه به ایرانی‌ها هم می‌بینیم. سوریه از یک دهه پیش محل یک بحران بزرگ در منطقه بوده که ۶ سال در آن یک جنگ تمام عیار در ابعاد جهانی علیه ملت سوریه جریان داشته که جمهوری اسلامی ایران در مقابل این جنگ نیابتی، نقش‌آفرینی داشته و شریک راهبردی دولت سوریه بوده است. واقعیت این است که رسانه‌های ما عمدتا در رساندن این پیام به عامه مردم ایران که چرا سوریه ارزش دفاع کردن دارد ناموفق بوده‌اند. بیشترین پرداخت رسانه‌ها درباره مدافعان حرم بود که بحثی ذیل ایدئولوژی شیعه و انقلاب اسلامی است اما مگر مردم عادی جامعه همه ایدئولوژیک هستند و اصلا مگر فقط قرار است افراد ایدئولوژیک برای دفاع از سوریه بسیج شوند؟ این پیام که دفاع از سوریه به لحاظ راهبردی هم برای ایران مهم بود، بحثی بسیار کمرنگ را در رسانه‌های ما تشکیل می‌داد. با این حال کمتر دیدیم رسانه‌ها، سوریه را یک کشور دارای تمدن اصیل و برخوردار از فرهنگ و میراث بشری مهم معرفی کنند. آیا در این صورت باعث همزادپنداری اکثریت جامعه ایران با بحران سوریه نمی‌شدیم؟ آیا حس دلسوزی مردم برانگیخته نمی‌شد؟ صداوسیما به جای منعکس کردن ارزش‌های وجودی سوریه که می‌توانست اشک از چشمان هر انسانی بویژه مردم صاحب فرهنگ ایران جاری کند، مدام تصاویر تخریب سوریه را پخش می‌کرد.

صداوسیما و دیگر رسانه‌های رسمی به ندرت به معرفی فرهنگ و میراث شهرهایی مثل دمشق و حلب، حمص و تدمر پرداختند، به همین خاطر در این سال‌ها شاهد هستیم حتی ایرانی‌های فرهیخته و تحصیلکرده که به سوریه می‌آمدند، با مشاهده تصویر واقعی این شهرها، فرهنگ مردم، غذا، لباس، سنت‌ها و باورها شگفت‌زده و متحیر می‌شوند و تازه متوجه می‌شوند جنگ سوریه یعنی تخریب یک تمدن بزرگ، چه معنایی برای بشریت دارد.

همین باعث شد شاهد باشیم در عرصه دفاع از سوریه، دامنه داوطلبان ما محدود به نیروهای بشدت اعتقادی باشد و از حمایت عموم جامعه محروم شویم. عمده بچه‌های داوطلب اصلا برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) آمده بودند و تازه در سوریه توجیه می‌شدند که برای دفاع از حرم باید تمامیت ارضی سوریه را ایمن کرد.

■ **عمومی‌سازی گفتمان دفاع از قدس در جامعه ایران**

ایجاد همزادپنداری از طریق بیان ارزش‌های وجودی سرزمین و ملت فلسطین نیز همان حس عمیق مشترکی است که فقدانش در رابطه با مساله فلسطین در رسانه‌ها احساس می‌شود.

این نوع روایت، نه‌تنها تناقضی با گفتمان ایدئولوژیک رسمی ندارد، بلکه اتفاقا عامه مردم را از مخاطب منفعل به دلسوزان فعال پای کار دفاع از آرمان فلسطین تبدیل می‌کند.

ما در برخوردمان با فعالان رسانه‌ای و حتی فعالان میدانی که برای کمک به آرمان قدس می‌آیند با این واقعیت مواجه می‌شویم که نگاه آنها به مساله فلسطین، متاسفانه بسیار کهنه بوده و به‌روز نشده است. کل دیدگاه این عزیزان در این حد متوقف می‌شود که یک جایی به اسم فلسطین غصب شده و باید صهیونیست‌ها را بیرون کرد. هنوز در سطح کنایه «هر مسلمان یک سطل آب» و انتفاضه سنگ و لزوم آزادی قدس و قبله الاولی مانده‌اند. در مقابل وقتی سخنان مقام معظم رهبری درباره تحولات فلسطین را می‌شنویم کاملا عقبه فرهنگی دارد. در بیاناتی که ایشان تقریبا ۵ سال پیش حضورا در کنفرانس حمایت از انتفاضه در تهران داشتند، گفتند دفاع از هویت فلسطین، امر مقدسی است. پس در موضوع دفاع از آرمان فلسطین فقط بحث از معراج پیامبر و مسجدالاقصی نیست، چون دشمن برای اشغال این اماکن، کل هویت فلسطین را غصب کرده یعنی هویت آن را استحاله کرده است. نه فقط روی زمین، بلکه روی غذای مردم، لباس مردم، شعر مردم و سنت و زندگی مردم فلسطین هم خط کشیده تا اهداف نهایی خودش برای غصب کامل منطقه را محقق کند. به همین دلیل نمی‌شود که برویم از حرم حضرت زینب(س) دفاع کنیم ولی فلسطین را به حال خود رها کنیم یا اینکه برویم از قدس دفاع کنیم ولی به غزه و کرانه باختری کاری نداشته باشیم و به همین شکل بقیه خاک فلسطین را که تحت اشغال اسرائیل است یا دفاع از ۱۵ میلیون فلسطینی را که بخش مهمی از آنها آواره هستند خارج از حیطه وظایف خود بدانیم.

از طرف دیگر با نپرداختن به هویت فلسطین و نزاع هویتی آن با صهیونیست‌های غاصب یک تصویر کلیشه‌ای برای مردم می‌سازیم، بدین شکل که فقط کسانی برای دفاع از آرمان فلسطین قدم بر می‌دارند که ارزشی و ایدئولوژیک هستند و هدف‌شان فقط آزادی قدس است. در حالی که در جهان میلیون‌ها نفر که نه عرب هستند و نه مسلمان، پای کار دفاع از حقوق مردم فلسطین هستند.

نحوه پرداخت رسانه‌های ما درباره آرمان فلسطین اینگونه است که انگار فلسطینی‌ها افرادی زیرمجموعه ما و فاقد هویت مستقل هستند، کلیشه‌ای و ایدئولوژیک‌زده است. این حتی مغایر با قول پروردگار در قرآن کریم است که می‌فرماید: «جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا»(شما را از تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید).

■ **برای لحظه پیروزی آمادگی داریم؟**

امروز قدم‌هایی جدی در عرصه آزادی فلسطین برداشته شده است. بویژه بعد از عملیات پارسال سیف‌القدس، فلسطینی‌های بیشتر و بیشتری به این باور رسیده‌اند که آزادی هدفی در دسترس و در حال تحقق است. اینکه چه میزان از فلسطینی‌ها یا مردم منطقه یا جهان از جمله ایرانی‌ها به این باور رسیده‌اند، جای تحقیق دارد و باید روی گسترش این نگاه کار کرد.

به نظر من درباره فلسطین بعد از آزادی باید با ادبیاتی دیگر جز اینکه تاکنون در روایات رسمی به کار برده شده صحبت کرد. اول از همه بیاییم ببینیم که ایران به عنوان رأس محور مقاومت چقدر در منطقه حضور دارد که قاعدتا تضمینی است برای پیروزی. رسانه‌های زنجیره‌ای دشمن در جهت ایران‌ستیزی می‌گویند که ایران ۴ پایتخت عربی را در منطقه تصرف کرده است. خیلی جالب است که بعضی رسانه‌ای‌ها، کارشناسان و حتی مسؤولان ایرانی این موضوع را به عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند. یعنی نه‌تنها ما برنامه‌ای برای مقابله با ایران‌ستیزی نداریم، بلکه خودمان تبلیغات دشمن را در این راستا باور کرده‌ایم. من به عنوان یک لبنانی شیعه از شما دعوت می‌کنم به جنوب لبنان بروید که می‌گویند ایرانی‌ها ۴۰ سال است آنجا حضور دارند و نشانه‌های فرهنگی از حضور ایران پیدا کنید. شاید هیچ اثری پیدا نکنید. حتی در بحث مراسم مذهبی، اگر اوایل انقلاب آقایان آهنگران و عساکری که عربی هم می‌خواندند، می‌آمدند و مراسمی در لبنان برگزار می‌کردند، امروز اما شاهدیم که شیعیان لبنان به یک سبک کاملا متفاوت مداحی می‌کنند و نوحه می‌خوانند. ممکن است سبک‌های مراسم مذهبی از طریق شبکه‌های اجتماعی به لبنان برسد اما آنها سبک‌ها را هم بومی‌سازی می‌کنند. جدای از این حتی یک سپاهی یا یک میهمان ایرانی نیز در مراسم لبنانی دیده نمی‌شود. پس این شوری مذهبی است که کاملا از درون خود لبنانی‌ها سرچشمه می‌گیرد.

اگر خاطرتان باشد، در همان نخستین سال‌های پس از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، حوالی سال ۱۹۸۲ که آقایان احمد متوسلیان و ابراهیم همت از طرف سپاه پاسداران به آنجا برای کمک به جهاد لبنانی‌ها علیه اشغال رفته بودند، حضرت امام(ره) فرمودند سپاه باید برگردد، چرا که قرار است خود لبنانی‌ها کشورشان را آزاد کنند و ما فقط کمک می‌کنیم. این شد که حاج همت برگشت و به فرماندهی لشکر ۲۷ تهران و بعد مقام شهادت نائل آمد و حاج آقای متوسلیان هم در راه برگشت به گروگان فالانژها درآمد.

رهنمود امام باعث شد ما امروز در سوریه، لبنان، عراق و یمن شاهد کمک انقلاب اسلامی به مقاومت خودجوش مردم محلی باشیم، نه دخالت مستقیم. فلسطین هم از این قاعده مستثنا نبوده و نیست.

رهنمود امام(ره) باعث شد ما امروز در سوریه، لبنان، عراق و یمن شاهد روند کمک انقلاب اسلامی به مقاومت خودجوش مردم محلی باشیم، نه دخالت مستقیم جمهوری اسلامی ایران. بر هر کدام از ملت‌های محور مقاومت است که طبق توصیه رهبر انقلاب اسلامی، نسخه بومی تمدن اسلامی خود را پیدا کنند و بر اساس هویت خودشان مدل مقاومتی خود را در مقابل سلطه‌گران پیاده سازند، در غیر این صورت اگر قرار باشد ملت‌های دیگر همه بر اساس الگوهای ایرانی مقاومت کنند، این می‌شود مشابه همان رویکرد صهیونیستی که تلاش می‌کند هویتی غیر را بر دیگران تحمیل کند.

فلسطین هم از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. قطعا پیروزی نهایی فلسطین زمانی است که خود فلسطینی‌ها موفق شوند مدل جبهه مقاومت در منطقه را که مرهون انقلاب اسلامی است، بر اساس هویت خود بازسازی کرده و برای شکست اشغالگران به کار گیرند.

ان‌شاءالله که این فتح قریب است اما آیا ما برای آن آماده هستیم؟ دقیق‌تر بگوییم. آیا ما که برای آزادی قدس، زمینه‌سازی می‌کنیم، واقعا برای پیشامدهای حتمی یا احتمالی آن، چه آنهایی که وعده داده شده، چه آنهایی که تبعات چنین رخداد بزرگی خواهند بود، برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟

آیا ما با خودمان کنار آمده‌ایم - حالا غرب و شرق جهان به کنار- که آزادی قدس، از مقدمات ظهور است؟ همان‌طور که از آیات و روایات برمی‌آید مهم‌ترین مانع ظهور، منتظران آن هستند. پس این فقط شمشیر نیست که قدس را آزاد می‌کند و باعث پیروزی نهایی می‌شود. قرار نیست حضرت(عج) بیایند و چند میلیارد نفر را از دم تیغ بگذرانند که مسلمانان جای آنها را بگیرند، بلکه اصل رسالت منجی، اصلاح زمین و اهالی زمین است. آن ۳۱۳ یار و همراه امام زمان نیز همان رهبرانی هستند که باید مردم گوشه و کنار جهان را مدیریت کنند که این همان دولت جهانی موعود است. اگر جبهه مقاومت امروز با اسلام انحرافی وهابی و تکفیری از یک سو و دشمنان قسم‌خورده اسلام مثل آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر طرف می‌شود، بدین خاطر است که آنها را به یک اندازه جزو موانع مهدیت برمی‌شماریم.

اگر از این زاویه به موضوع آزادی فلسطین بنگریم، محور مقاومت در منطقه را که متشکل از ملت‌هایی عمدتا مسلمان با تفاوت‌هایی اندک و بیشترین اشتراکات فرهنگی و هویتی هستند، فقط محور جنگ نمی‌بینیم، بلکه این بستر مدیریت، الگوسازی و همزیستی است.

به عنوان یک فعال رسانه‌ای که در طول دوران مقاومت در برابر جنگ نیابتی و تکفیری علیه سوریه در این سرزمین حاضر بودم، می‌توانم شهادت دهم سوری‌ها رفته رفته متوجه می‌شوند معنای واقعی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران یا حزب‌الله لبنان و عراق چیست. نشان دادن نیت مقدسی که ما برای نجات سوریه داشتیم، از دستاوردهای نظامی و ژئوپلیتیک محور مقاومت در سوریه بسیار مهم‌تر بود. این دستاوردی واقعی برای مکتب حقیقی شیعه است که پیامش برای نجات زمین، از منطقه هم فراتر رفته و به دیگر مردم جهان برسد؛ اینکه ما نه با جهان، بلکه فقط با آمریکا و اسرائیل مشکل داریم.

محور مقاومت، ظرفیتی فرامنطقه‌ای و جهانی دارد و در حال تمرین آمادگی برای ظهور است. حال که با اهمیت جایگاه و رسالت ایران در محور مقاومت آشنا شدیم، جا دارد یک بار دیگر آن پرسش اولیه درباره آمادگی را از منظر ظهور تکرار کنیم: آیا ایرانی‌ها به نوبه خودشان برای چنین رسالت جهانی‌ای آمادگی دارند؟

مطمئن باشید جهانی شدن این پیام بوده که باعث شده غرب و شرق نتوانند در این ۴۴ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را حذف کنند. اگر این پیام ما به گوش مردم جهان نرسیده بود، حذف فیزیکی یک کشور برای استکبار جهانی با پیشرفته‌ترین روش‌ها و مرگبارترین سلاح‌های کشتار جمعی کاری نداشت. آیا این همان جهاد تبیین نبوده و نیست؟

■ **محور مقاومت و انقلاب تبیین**

چنین نگرشی ما را به درکی جهانی از مفهوم جهاد برای مقاومت علیه سلطه می‌رساند: محور مقاومت، ظرفیتی فرامنطقه‌ای و جهانی دارد و تمرین آمادگی برای ظهور است.

حال که با اهمیت جایگاه و رسالت ایران در محور مقاومت آشنا شدیم، جا دارد یک بار دیگر آن پرسش اولیه درباره آمادگی را از منظر ظهور تکرار کنیم: آیا ایرانی‌ها به نوبه خودشان برای چنین رسالت جهانی‌ای آمادگی دارند؟

آیا ما اقدامی برای معرفی درخور نیات، اهداف، توانایی‌ها و از همه مهم‌تر هویت‌مان به همین کشورهای برادر و همسایه در محور مقاومت مثل عراق، سوریه، لبنان و فلسطین انجام داده‌ایم؟ آن هم در حالی که هنوز دربند تعاریف ملیتی و قومیتی هستیم. در حالی که هنوز در پس ذهن خود از ایرانی دانستن و خودی دانستن برادران و خواهران بسیار شبیه و بسیار نزدیک عراقی، سوری، لبنانی و فلسطینی به خودمان اکراه داریم. در همان حال دستگاه تبلیغاتی آمریکا دارد با همه توان، مردم گوشه و کنار جهان را با وجود تفاوت‌های فرهنگی و قومی‌شان به توهم رویای آمریکایی وامی‌دارد تا همه در ناخودآگاه خود چنین بپندارند که آمریکایی‌اند. اینگونه جهان مسخ شده طبق الگوی همان سلطه‌گران پس پرده عمل می‌کند که رسانه‌ها و فرهنگ آمریکایی را ساخته‌اند.

آیا امروز ایرانی‌ها حتی در همین حد و اندازه آمریکایی‌ها روی جهانی کردن گفتمان ایرانی کار کرده‌اند؟

مطمئنا تلاش برای تحقق این رسالت، جهادی بزرگ است که آن را جهاد تبیین خوانده‌اند. من حتی از این هم فراتر می‌روم و از انقلاب تبیین سخن می‌گویم، انقلابی که ۴ دهه پیش از ایران شروع شد و «انسان ایرانی انقلابی» را پدید آورد.

با در نظر گرفتن این انسان ایرانی انقلابی به عنوان جزء لاینفک چنان رسالتی و به عنوان یک ناظر بی‌طرف جامعه ایرانی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، سعی می‌کنم خودم به عنوان نخستین نفر در مقام پاسخ دادن به پرسشی برآیم که چند خط بالاتر مطرح کرده‌ام.

پاسخ من این است: خدا را شکر که امروز این همه ایرانی داریم که خودشان را انقلابی می‌دانند اما خدا را هزاران بار بیشتر شکر که انقلابی‌هایی مثل امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و حاج‌قاسم هم داشته و داریم که ایرانی نیز هستند. برای انقلاب تبیین، ایرانی‌هایی از نوع دوم می‌خواهیم.

دور دنیا

روایت متناقض ریاض و آنکارا درباره سفر اردوغان به عربستان

حواشی سفر رجب طیب اردوغان به عربستان کماکان ادامه دارد. اردوغان پیش از سفر به جده از سوی رسانه‌های مختلف و نهادهای حقوق بشری هدف انتقاد قرار گرفته است. از سال ۲۰۱۸ و تحت تاثیر قتل جمال خاشقجی روابط ترکیه و عربستان به تیرگی گذاشت. حال ۴ سال پس از آن واقعه رئیس‌جمهور ترکیه تحت تاثیر معضلات اقتصادی و تاثیر آن بر انتخابات سال آینده به دنبال بهبود روابط با سعودی و انتفاع اقتصادی از آن برآمده است اما پس از انتشار بیانیه کاخ ریاست‌جمهوری ترکیه درباره درخواست ریاض از رجب طیب اردوغان برای سفر به عربستان سعودی، شبکه دولتی عربستان به صورت ضمنی این بیانیه را تکذیب کرد. ریاست‌جمهوری ترکیه اخیرا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «رئیس‌جمهور اردوغان در سفری رسمی به منظور انجام گفت‌وگو در حاشیه این سفر وارد شهر جده عربستان شده است. این سفر در راستای پاسخ مثبت به دعوت ملک «سلمان عبدالعزیز آل‌سعود» شاه سعودی انجام شد». در این میان پایگاه خبری شبکه «سی‌ان‌ان» گزارش داد کاربران فضای مجازی بخشی از گزارش شبکه دولتی «الاخباریه» عربستان را منتشر کرده‌اند که در آن گفته می‌شود سفر رئیس‌جمهور ترکیه به عربستان در «پاسخ مثبت به تمایل او [برای سفر به عربستان]» انجام شده است. سفر رئیس‌جمهور ترکیه به عربستان سعودی در شرایطی انجام شد که رسانه‌ها با اشاره به مختومه شدن پرونده محاکمه غیابی عاملان قتل جمال خاشقجی در ترکیه، از تشدید تلاش‌های آنکارا به منظور بهبود روابط با ریاض خبر داده بودند. تصمیم ترکیه برای بستن پرونده محاکمه غیابی عاملان قتل جمال خاشقجی و تحویل آنها به عربستان سعودی، واکنش‌های زیادی را در پی داشت. «کمال قلیچ‌دار اوغلو» رهبر بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون و رقیب اردوغان در واکنش به این اقدام گفت: «او (اردوغان) حقوق و اعتبار دادگاه‌های ترکیه را درباره قتلی که در ترکیه رخ داده بود، به عربستان سعودی تفویض کرد... الان مشخص شد احمق چه کسی است». وی همچنین ادعا کرد اردوغان در ازای دریافت پول از عربستان سعودی پرونده خاشقجی را بسته است.

بیانیه شدیداللحن حزب‌الله لبنان درباره انفجارهای تروریستی کابل

جنبش حزب‌الله لبنان بعد از ظهر دیروز (شنبه)، درباره انفجارهای تروریستی کابل بیانیه صادر کرد. بنا بر گزارش شبکه «المنار»، حزب‌الله ضمن محکومیت شدید این انفجارها، اعلام کرد این تروریست‌های تکفیری دسته‌ای قاتلند که همه را جز خود کافر می‌دانند. در ادامه این بیانیه آمده است: «تداوم این عملیات‌های تروریستی، گسترش دامنه آنها در چند کشور اسلامی و متمرکز شدن آن بر هدف قرار دادن مؤمنان حین ادای فرایض دینی، علمای امت اسلامی و دولت‌های مربوط را ملزم می‌کند تا با این تفکر انحرافی، سازمان‌ها و بازوهای آن مقابله کنند و فورا برای انجام تمام اقدامات ممکن به منظور مواجهه با این قاتلان جنایتکار اقدام نمایند». حزب‌الله در ادامه تأکید کرد: «تداوم این عملیات‌ها همچنین مقامات کشورهای هدف حمله را موظف می‌کند به اندازه کافی از شهروندان و مساجد محافظت کنند و تمام اقدامات ضروری را در این باره اتخاذ نمایند». مقاومت لبنان در پایان ضمن تسلیت به خانواده‌های شهدا و ابراز همدردی با آنها، از خداوند متعال برای شهیدان رحمت و برای مجروحان به حق ماه مبارک رمضان سلامتی کامل مسألت کرد. روز جمعه بر اثر حمله تروریستی در مسجد خلیفه صاحب اهل سنت کابل دست‌کم ۱۰ نفر شهید و ۱۹ فرد دیگر مجروح شدند. با این حال، مقامات طالبان از شهادت و زخمی شدن ۲۵ تن در این حمله تروریستی خبر دادند. از طرف دیگر، در برخی گزارش‌های تاییدنشده در افغانستان از شهادت ۵۰ تن در حمله تروریستی روز جمعه کابل سخن گفته شده است. این حمله تروریستی در حالی رخ داد که منابع محلی افغان پنجشنبه گذشته نیز از وقوع ۲ انفجار در محله‌های شیعه‌نشین شهر مزارشریف خبر دادند که در هر ۲ رویداد تروریستی ۹ تن کشته و ۱۳ تن زخمی شدند. داعش مسؤولیت هر ۲ انفجار را بر عهده گرفته است. طی هفته‌های گذشته حملات تروریستی متعددی در نقاط مختلف افغانستان، اماکن مذهبی و عمومی شیعه و سنی را هدف حملات خود قرار داده که در نتیجه آن ده‌ها نفر شهید و زخمی شدند.

فرود مشکوک ۸ هواپیمای باری امارات در اراضی اشغالی

یک روزنامه رژیم صهیونیستی فاش کرد هواپیماهای باری عظیم متعلق به نیروی هوایی امارات طی ۲ هفته گذشته چندین بار در فلسطین اشغالی فرود آمده‌اند. روزنامه صهیونیستی «جروزالم پست» با انتشار این خبر، نوشت دلیل این پروازها هنوز مشخص نیست اما پیش‌بینی می‌شود آنها در حال انتقال تجهیزات امنیتی و نظامی در چارچوب توافقنامه دفاعی مشترکی هستند که اخیرا ۲ طرف امضا کردند. به نوشته این روزنامه، طی ۲ هفته گذشته ۸ فروند هواپیمای باری سنگین Globemaster C-17 در فلسطین اشغالی فرود آمدند که همگی متعلق به نیروی هوایی امارات هستند. بنا بر این گزارش، این هواپیماها در فرودگاه نظامی نیفاتیم اسرائیل در صحرای نقب فرود آمدند و هر کدام یک ساعت پس از فرود از زمین بلند شدند. این روزنامه همچنین با اشاره به بیانیه وزارت جنگ اسرائیل در ابتدای ماه آوریل اعلام کرد که ارزش صادرات نظامی اسرائیل در سال گذشته ۱۱,۲ میلیارد دلار بوده که ۷ درصد آن به کشورهای عربی که قراردادهای عادی‌سازی را با اسرائیل تحت عنوان توافقنامه آبراهام امضا کردند، بوده است. امارات و بحرین ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ با میانجیگری «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده آمریکا توافقنامه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را امضا کردند.